

غداوار

دویم ښکلی

حاجی محمد احمدی

سرشناسه : احمدی، حاجی محمد. ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور : هاوار: دوبیتی لکی / حاجی محمد احمدی.

مشخصات نشر : تهران: انتشارات آکو، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۱۲۳-۶-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیا

عنوان دیگر: دوبیتی لکی.

موضوع: شعر لکی -- قرن ۱۴

موضوع: Laki poetry -- ۲۰th century

رده بندی کنگره: PIR ۳۲۸۶ / ۶۴۳ الف ۲۷ ۱۳۹۶

رده بندی دیو: ۹/۳۱۸۸

شماره کتابخانه: ۴۹۶۲۳۹۳



| هاوار: دوبیتی لکی |

| سروده: حاجی محمد احمدی |

| ناشر: آکو |

| شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه |

| قیمت: ۸۵۰۰ تومان |

| نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۷ |

| طراحی جلد و صفحه آرایی: آتلیه طراحی آکو |

| ناظر چاپ: بهنام ابوالفتحی |

| لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کتاب سبز |

| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۴۶-۸-۳

مقدمه

هرگاه دفتر شعری از فرزندان زاگرس، به دست می‌گیرم و بر خط‌های سیاه و سفید آن خوب خیره می‌شوم، در دلم روزنه‌ای از امید جان می‌گیرد که آیا ممکن است سراینده، مرکب تازنده خیال را از رودهای خروشان احساس تا کوه‌های سر به فلک کشیده عاطفه درنور دیده باشد؟! بی‌گمان کمتر مجموعه شعری چنین ساخته و پرداخته شده، اما هرچه سروده‌ای به این سمت و سوی خیز برداشته، بیشتر مهمان دل‌ها بوده است.

حاجی محمد احمدی در دفترهای «دوجا شاور» و «داوار» گامی چند ادب «آبی» را پیش برد و بر غنای آن افزود. مهمترین ویژگی احمدی در دفترهای پیشین، شعری ساده و بدون تعقید، روان و صمیمی و سرشار از رنگ اقلیمی بود که در آن‌ها «من فردی و اجتماعی» نمود چشم‌گیرش داشت. اینک دفتر سوم او با نام «هاوار» که مجموعه دوبیتی‌های اوست، زودی روانه بازار می‌شود؛ بدین بهانه نگارنده این نوشتار بر آن شد در این مجموعه نظری افکند و برخی از ویژگی‌ها و مفاهیم برجسته آن را نمایان سازد.

نمادگرایی

همچون دفترهای گذشته، شاعر در «آبی جان» اشعارش از نماد بهره برده است. نمادهای احمدی بیشتر سمن‌های مسوم و معمول هستند و از دگردیسی و یا نمادهای تازه کمتر می‌توان نشانی یافت. «هنا» (فریاد)، «شو» (شب) ادوبیتی ۱، «هاوار» (بهار) ادوبیتی ۴، «وا» (باد)، «باخ» (باغ)، «گل» ادوبیتی ۸، «رنا» (نفس)، «سرما» ادوبیتی ۱۰، «روا» (روباه)، «هوه» (خورشید) ادوبیتی ۱۴، «مانگ» (ماه)، «هوی» (خوک) ادوبیتی ۳۹، «گل»، «سگ‌هار»، «قلا سی» (کلاغ سیاه) ادوبیتی ۹۶ و... از جمله این نمادهاست.

شاید بارزترین ویژگی شعر احمدی، نمادگرایی با استفاده از

عناصر طبیعت است. هر چند او در شهر «صحنه» به دنیا آمده و نشو و نما یافته. اما صحنه هم روستای بزرگی است که طبیعتش زبانزد همگان است. روح لطیف و نازک خیالی شاعر، پیوسته با عناصر طبیعت درآمیخته و این انس و دلبستگی، سیب شده تا او گاد و بیگاه از زبان طبیعت و یا با طبیعت سخن بگوید:

چه بی وارن نمای دنگت و گویشم؟
تایش توریاین و وارین دی چه بوشم؟!
زمن خشک بی و گل رزیا و دس و
وری که بی خود نموشم
(دوبیتی ۱۰۲)

برگردان: چه شب باران، چرا ترنم تو به گوشم نمی‌رسد؟ چگونه شکوه کنم که تو کم از باریدن بازیستاده‌ای! زمین، خشک و باد سبب ریختن گل‌ها شده است. به کجا روی آوریم؟ بیهوده نیست که این چنین سخن می‌گویم.
و یا:

کل آسمان و اویر پوشیه امش
دنگ وارن نمای، غمخواره دنگ دور
(دوبیتی ۱۲)

برگردان: امشب ابر تمام آسمان را پوشانده است. ترنم باران به گوش نمی‌رسد و صدای دوست، پُر از غم و اندود است.

بازتاب اسطوره

سراینده با بهره از اساطیر باستانی ایران و دیگر شخصیت‌های میاز ملی، دیگر بار قهرمانان ناخودآگاه ذهن خواننده را برمی‌خیزاند و از «داد» و «بیداد» سخن می‌راند. نمونه فراگشت اساطیر، دوبیتی شماره ۶۵ است: «کوروش»، «بابک»، «افشین» و «مازیار»، در این دوبیتی ذهن مخاطب را به فراسوی هزاره‌ها می‌برد و گونه‌ای «غمیاد»

نوستالژی) در درون او زنده می‌سازد.

در دوبیتی ۵۷، وطن ما ایران، با این که سختی‌های بسیاری از سر گذرانده، اما همچنان پابرجا و بسان کوهی سترگ ماناست. «سکندرها» و «چنگیزها» بارها به ایران تاخته‌اند، باوجود این، «داد» که ایران باشد، استوار است و نمادهای گجسته «بیداد»، در برگ‌های استان ایرانیان ردی ناخجسته برجای گذاشته‌اند و بس!

شاعر هیچ‌گاه جانب «داد» را فرو نمی‌نهد و بدین سبب کنش نامبارک «سرا» یا مزدگیان را نکوهش می‌کند و با ریشخندی آشکار می‌گوید:

و یک روز بد بزرار کرده زیر خاک
که شاه بوشی میم دادگ، چه حال کرد!
(دوبیتی ۵۸)

برگردان: در یک روز، صد هزار انسان را اسیر خاک کرد؛ باشد که شاه بگوید: مِم | پادشاه | داد بر بدین گونه | به خود ببالد!

در دوبیتی‌های ۵۹-۶۲ نیز تاریخ ایران و بیداد پادشاهان - از عزنوی گرفته تا قاجار - نمایان شده است. فریبی هر که تاج پادشاهی بر سر نهاده، در سودای تاراج مردمان بود است «فرعون»، «نرون»، «انیلا»، «چنگیز»، «تیمور» و «هیتلر» حتی بر رنج‌کشان و خوشه‌چینان، مایه نازششان بود؛ دریغ سخت دیر دریغند که خود سردارانی هستند که روزگار سر یک‌یکشان را بر دار «داد» تماشا خواهد نشست.

صلح‌دوستی و بیزاری از جنگ

یکی از درون‌مایه‌های برجسته شعر احمدی، نفرت و بیزاری او از جنگ و مصایب آن است؛ از جمله:

چه مو نويا و دنيا جنگ و زندان
نه نارنجک و موشک هر و میدان
(دوبیتی ۵۰)

برگردان: چه می‌شد که در دنیا، نشانی از جنگ و زندان نبود و نارنجک و موشک در عرصه نبرد خودنمایی نمی‌کرد. سراینده در دنیایی که جنگ و خونریزی بر همه جا سایه افکنده، خاستار صلح و آشتی است و بدین‌گونه، آرزوی چنین ارمان‌شهری را دسر می‌پرواند:

آ روزل موش مو دنيا سراي سر
پيا، ژن، بکلی آش حق برای بر
نه جنگ بو، دسني بی گشت و کشتار
هری چویی خوشی نه که هرای هر
(دوبیتی ۱۳)

برگردان: آیا آن روزهای خوب برای همه جهانیان فرامی‌رسد که همگان (مرد و زن و...) حقوقی برابر داشته باشند؟ روزی که از جنگ، دشمنی، خونریزی و کشتار خبری نماند و مردمان تا زمان‌های بیکران به شادی و پایکوبی به سر برند! شاعر در دوبیتی‌های ۲۴ و ۱۲۷ نیز از جنگ، تفنگ و گلوله بیزاری جسته و آرزوی آرامش و امنیت برای ستمدیدگان کرده است.

شکوه از تهیدستی مردمان و فاصله دارا و ندار

فاصله طبقاتی همواره شاعر را آزرده است؛ چنانکه آرزو می‌کند: «که بین دارا، ندار کم بو دریژی» (دوبیتی ۱۱۶). البته این فاصله و بنه ترقی بودن بیچارگان، بیشینه‌ای به دیرینگی آفرینش دارد و نا بیداد لقمه از بر دهن گرفته و بر سریر نادانی نشست، نطفه تراژدی بسته.

شده است. آری این ناهمسانی و ناهمگونی، ریشه در هزاره‌ها دارد:
«هَر دِ رُوژ اَزَل دارا ندار بی» (دوبیتی ۸۶).

گلایه از مردم روزگار و کاستی گرفتن ارزش‌ها
گلایه از مردمان در سروده‌های شاعران، بن‌مایه‌ای تازه نیست؛
«خاقانی شروانی» در شکایت از مردم زمان خود و سستی گرفتن مهر
و وفا، از ترکیباتی چون «نقش مردم‌گیا» و «برگریز وفا» سخن گفته
و از سر درد سروده است:

اصاف نه‌ها شد و وفا هم هم‌جنس نماند و آشنا هم
آثار شکست از جهان رفت آیین امانت از میان رفت

احمدی در دوبیتی‌های ۵۴، ۶۹، ۷۲، ۷۸، ۷۹، ۹۱، ۱۰۰ و... از این‌ای
روزگار گلایه دارد و بر کس ننگ باختن ارزش‌ها و خوبی‌ها افسوس
می‌خورد؛ برای نمونه:

و هر کس دل م‌دام، هر خیری پرو بی
«خیرت بام» هر «نفسمین» کل در بی
چه بی یادی نم‌ن از دوس و یاری
قسم، قول کل قرار تا نیمه‌رو بی
(دوبیتی ۷۲)

برگردان: به هر که دل بستم، بسان کهنه‌ای بی‌ارزش سلوه کرد.
«فدایت سوم» و «تو نفس منی» دروغی بیش نبرد. آری، بهیچ‌وجه که از
دوستی و یآوری نستانی نماند؛ آه که! قسم، قول و پیمان تا نیمه‌روز
(اندکی) پایید.

بدون تردید در این مجال اندک، نمی‌توان فرم و ساختار دوبیتی‌های
شاعر را واریسی کرد. در پایان ذکر چند نکته خالی از سود نیست:
✓ شاعر آگاهانه از رسم‌الخط متعارف و مرسوم که دیرینگی آن،
همزمان با سرائیش نخستین شعرهای کردی است، بهره برده است.

✓ گاه در برخی از دوبیتی‌ها، به جای «مفاعیلن»، «مفاعیلان» آمده است؛ در ادب فارسی نیز این مسئله شواهد بسیاری دارد، اما نباید از یاد بُرد که میزان کشش صامت‌ها و مصوّت‌ها در ادب کردی و فارسی تفاوتی بنیادین دارد؛ بدین سبب است که در گویش لکی افزودن یک صامت بر رکن مفاعیلن، چندان نابهنجار جلوه‌گر نمی‌شود.

✓ نظر می‌رسد شاعر گاه برای تکمیل و رسایی وزن شعر، واژگانی چون «هر» و «کل» آورده که این امر از روانی و سادگی شعر باسره است.

✓ صور خیال را نیز در مجموعه دوبیتی‌ها چندان پیرنگ نیست؛ هرچند بر آن نمونه در دوبیتی ۴۸ تشبیهی زیبا و در دوبیتی ۷۷ واژگانی چون «گل»، «قش» و «بلبل» استعاره مصرّحه دارند. گاه نیز ترکیباتی به کار رفته که دلنشین و تازه هستند؛ مثل «کاوتاس» (= کبودطاس) که برادران، «آسمان ابی» است. برخی از دوبیتی‌ها هم بسیار دلچسپ هستند؛ شاعر در آن‌ها عمداً از واج‌آرایی سود جسته است (نک: دوبیتی‌های ۱۹، ۴۶ و ۸۵).

✓ نمونه‌های فراوانی از درون‌مایه‌هایی چون عشق، شکایت از بخت و اقبال، ادب پویایی و بیداری، آرمان‌شهر، رستگاری، گونه‌های رمانتیک فردی و اجتماعی، اجتماعات، رنگ اقلیمی و... در دوبیتی‌های حاجی‌محمد احمدی دیده می‌شود. اما پرداختن به هر یک، در این مقال نمی‌گنجد.

امید که ایشان پیوسته تندرست باشند و نویسند.

دکتر سید آرمان حسینی

صحنه - آبان‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی